استناد به این مقاله: ناصری محمدآبادی، علی؛ عسکری، آزاده؛ بهرامی، فاطمه؛ صادق، رباب؛ عابدی، جواد (۱۳۹۱). هنجاریابی پرسشنامه خزانه دلبستگی والدین و همسالان تجدید نظر شده در کودکان ۹ تا ۱۱ ساله شهر اصفهان. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۲ (۲)، ۴۰-۲۵.

هنجاریابی پرسشنامه خزانه دلبستگی والدین و همسالان تجدید نظر شده در کودکان ۹ تا ۱۱ ساله شهر اصفهان

علی ناصری محمدآبادی[1]، آزاده عسکری[2]، دکتر فاطمه بهرامی[3]، رباب صادق[4]، جواد عابدی[5]

دریافت:۱۳۹۰/۱/۱۷ پذیرش:۱۳۹۱/۱۱/۷

چکیده

بر اساس نظریه تکاملی-کردارشناسی دلبستگی بالبی، کودک دارای یک سیستم رفتاری دلبستگی می‌باشد که از نزدیکی کافی مراقبین به نوزاد ضمانت می‌کند تا بقای نوزاد تأمین شود. برای بررسی سبک‌های دلبستگی در بزرگسالی، فرم‌هایی بصورت خودگزارش‌دهی ایجاد شده است اما پرسشنامه‌هایی که به سنجش دلبستگی در نوجوانان بپردازند اندکند. هدف از این پژوهش هنجاریابی و اعتبارسنجی و همچنین پایایی‌سنجی پرسشنامه دلبستگی والدینی و همسالان تجدید نظر شده بوده است که به سنجش سه زیر مقیاس اعتماد، ارتباط و بیگانگی در دو بعد همسالان با ۲۵ سؤال و بعد والدینی با ۲۸ سؤال می‌پردازد. به این جهت پرسشنامه از نسخه انگلیسی آن مورد ترجمه قرار گرفت و بر روی نمونه‌ای تصادفی مشتمل بر ۶۰۰ نفر که شامل ۳۰۰ پسر و ۳۰۰ دختر پایه چهارم و پنجم که در مدارس ابتدایی ناحیه ۵ اصفهان مشغول به تحصیل بودند اجرا گردید. نتایج پایایی‌سنجی با استفاده از ضرایب آلفا پایایی مناسبی برای زیر مقیاس‌های ابزار نشان داد. همچنین نتایج سنجش اعتبار همزمان پرسشنامه، همبستگی این زیر مقیاس‌ها با زیر مقیاس‌های مراقبت و حمایت افراطی والدینی از پرسشنامه پیوند والدینی را معنی‌دار و در جهت پیش‌بینی‌شده نشان داد. هنجارهای درصدی نیز برای زیر مقیاس‌های پژوهش محاسبه گردید. در مجموع، اعتبار و پایایی مناسبی برای این پرسشنامه بدست آمد که بیانگر مناسب بودن این ابزار برای مقاصد علمی و عملی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: *سبک‌های دلبستگی، دلبستگی والدینی، دلبستگی همسالان، عزت نفس کوپراسمیت، پیوند والدینی*

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۲- دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان .(نویسنده مسئول)
۳- دانشیار گروه مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۴- دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی رشت.
۵- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

مقدمه

از جمله مهم‌ترین عواملی که تعیین کننده شخصیت فرد در بزرگسالی است رابطه او با مراقب یا مادرش است. وجود یا عدم وجود این رابطه و همچنین چگونگی و کیفیت این رابطه بین نوزاد و مراقب او مورد توجه بسیاری از روانکاران و روان‌شناسانی نظیر فروید[۱]، ملانی کلاین[۲]، سالیوان[۳]، اریکسون[۴] و بالبی[۵] قرار گرفته است که در این بین بالبی به طور منظم و منسجم به مطالعه و بررسی این رابطه تحت عنوان دلبستگی[۶] پرداخته است. در روان‌شناسی رشد، پیوند هیجانی بین نوزاد و مادر یا جانشین مادر دلبستگی نامیده می‌شود (رازقی و همکاران،۱۳۸۵: ۳۵). بالبی معتقد است که این پیوندهای هیجانی متقابل، منجر به نزدیکی مادر و کودک می‌گردند و نخستین تجلیات دلبستگی پدیدار می‌گردند (اسروف و واترز[۷]، ۱۹۷۷: ۳۴۷).

هازان و شیور[۸] (۱۹۸۷: ۲۴۱) سبک دلبستگی را در سه دسته ایمن[۹]، اجتنابی[۱۰] و دوسوگرا[۱۱] قرار می‌دهند بطوریکه کودکان ایمن کمتر از کودکان ناایمن رفتارهای منفی و ناسازگاری دارند و در ارتباط با همسالان، پرشورتر، گرم‌تر، مقاوم‌تر و همراه‌ترند. آن‌ها با افراد غریبه راحت‌تر هستند، تصویر مثبت‌تری از خود دارند و مربیانشان آن‌ها را ، به خود متکی‌تر ، کاردان‌ترو مستقل ارزیابی می‌کنند (رازقی و همکاران،۱۳۸۵: ۵۱).

پژوهش‌های زیادی که در راستای آزمودن نظریه دلبستگی انجام شده است برای اکثر نکات کلیدی این نظریه حمایت پژوهشی به عمل آورده‌اند (کارلسون و اسروف[۱۲]، ۱۹۹۵: ۱۰۹ و روتر[۱۳]، ۱۹۹۵: ۵۶۱). بر اساس پیشنهاد بالبی که سبک دلبستگی از آغاز کودکی شکل گرفته و توسعه می‌یابد و به بقای نوزاد کمک خواهد کرد، شگفت آور نخواهد بود که اکثر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه تاکنون بر روی نوزادان یا کودکی آغازین متمرکز بوده‌اند. بر همین اساس اکثر مقیاس‌ها و روش‌هایی که برای ارزیابی و سنجش این سبک‌های دلبستگی ابداع شده‌اند نیز بر روی نوزادان و آغاز کودکی متمرکز بوده‌اند. اما در

1Freud
2 Melanie klein
3 Solivan
4 Erikson
5 Bowlby
6 Attachment
7 Osrof & Waters
8 Mazan & shiver
2 secure attachment
10 avoidant attachment
11 ambivalent attachment
12 Carlson & Sroufe
13 Rutter

سال‌های اخیر برای بررسی سبک‌های دلبستگی در سنین بالاتر نیز فرم‌هایی بصورت خودگزارش دهی ایجاد شده است که می‌توانند به جای فرم‌های مشاهده ای که در مورد نوزادان و کودکان به کار گرفته می‌شود، استفاده شود (برترون[۱]، ۱۹۸۵: ۲۳). این مقیاس‌ها محققان را قادر می‌سازد تا درباره وانمودهای مدل‌های کاربردی درونی شناخت‌محور افراد بینش پیدا کنند (برلین و کاسیدی[۲]، ۱۹۹۹: ۶۹۱).

این مقیاس‌ها در بدو امر برای استفاده در مورد بزرگسالان و یا نوجوانان بزرگتر ایجاد شده بودند. برای مثال، نسخه اولیه خزانه پیوند والدینی (PBI)[۳] که توسط پارکر و دیگران[۴] (۱۹۷۹) ایجاد شد ملزم به این که بزرگسالان متناسباً بر اساس تجارب والدینی خویش در سال‌های بلوغ به پرسشنامه پاسخ دهند. نسخه‌هایی نیز برای اینکه افراد وضعیت فعلی خود را گزارش دهند ایجاد شده است (کوبیس، لویس و داوس[۵]، ۱۹۸۹: ۳۸، هرز و گالون[۶]، ۱۹۹۹: ۷۴۸، کلیمیدیس، میناس و آتا[۷]، ۱۹۹۲: ۳۷۶، کلیمیدیس، میناس، آتا و استوارت[۸]، ۱۹۹۲: ۳۸۰). پرسشنامه پیوند والدینی، دلبستگی را بر روی دو بعد اندازه‌گیری می‌کند که شامل ابعاد مراقبت والدینی[۹] که از بی‌تفاوتی و نادیده‌انگاری تا مراقبت والدینی درجه‌بندی شده است و حمایت افراطی[۱۰] که از کنترل افراطی تا تشویق برای استقلال و خودمختاری درجه‌بندی شده است، می‌باشد (هرز و گالون، ۱۹۹۹: ۷۴۹ و رایس و کامینز[۱۱]، ۱۹۹۶: ۵۵).

آرمسدن و گرینبرگ[۱۲] (۱۹۸۷) مقایس دیگری برای سنجش دلبستگی بصورت خود گزارش‌دهی با نام خزانه دلبستگی والدینی و همسالانی (IPPA)[۱۳] ایجاد نمودند که به سنجش امنیت روان‌شناختی که از داشتن ارتباط با افراد معینی حاصل می‌گردد می‌پردازد. در هر بخش از آن موادی وجود دارد که به بررسی دلبستگی در سه زیر مقیاس اعتماد[۱۴]، ارتباط[۱۵] و بیگانگی[۱۶] می‌پردازد. مقیاس اعتماد به سنجش میزان فهم متقابل و احترام در روابط دلبستگی می‌پردازد، مقیاس ارتباط به سنجش ارتباطات کلامی پرداخته و مقیاس

1 Bretherton
2 Berlin & Cassidy
3 Parental Bonding Inventory (PBI)
4 Parker et al
5 Cubis, Lewis, & Dawes
6 Herz& Gullone
7 Klimidis, Minas, & Ata
8 Klimidas, Minas, Ata, & Stuart
9 parental nurturance
10 parental overprotection
11 Rice & Cummins
12 Armsden & Greenberg
13 Inventory of Parent and Peer Attachment (IPPA)
14 trust
15 communication
16 alienation

بیگانگی به ارزیابی این مطلب می‌پردازد که تا چه میزان فرد در روابط دلبستگی خویش دارای احساس خشم و یا بیگانگی درون فردی می‌باشد.

شایان ذکر است که پرسشنامه IPPA برای سنجش سبک‌های دلبستگی در سال‌های آخر نوجوانی و آغاز بلوغ نیز به کار رفته و از اعتبار مناسبی نیز در این محدوده برخوردار بوده است (گرین و گلدوین[1]، ۲۰۰۲: ۸۳۹). بر این اساس با توجه به نیاز داشتن به مقیاسی برای سنجش سبک‌های دلبستگی برای کودکان و نوجوانان، گالون (۲۰۰۵) پرسشنامه IPPA را مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار داده است. وی مدل تجدید نظر شده ساده شده IPPA-R[2] را در دو نمونه از نوجوانان؛ ۱۱۸ نوجوان ۹ تا ۱۱ ساله و ۱۶۳ نوجوان ۱۴و ۱۵ ساله اجرا کرد و نتایج نشان داد که مقیاس IPPA-R برای سنجش دلبستگی همسالان و والدین در نوجوانان بین ۹ تا ۱۵ سال مناسب می‌باشد.

در ایران کمبود ابزار با هنجارهای ایرانی برای سنجش جنبه‌های مختلف رفتار بر کسی پوشیده نیست و باید وسایل لازم جهت رفع این کمبود، فراهم آید. بدین ترتیب، تهیّه و نرم‌یابی آزمون‌های روان‌شناسی اهمیّت می‌یابد. در ضمن در کارهای تشخیصی نیز به وسایل تشخیص با هنجار ایرانی نیاز است. لذا با توجه به این کمبودها و همچنین عدم وجود آزمونی مناسب برای سنجش سبک دلبستگی کودکان، پژوهش‌گران بر آن شدند تا پرسشنامه تجدید نظر شده دلبستگی والدین و همسالان را بر روی کودکان پایه چهارم و پنجم ابتدایی اجرا و آن را در ایران هنجاریابی، اعتبارسنجی و پایایی‌سنجی نماید تا به پر کردن این خلأ در کشور کمک شده باشد.

لذا بر اساس آنچه ذکر شد اینطور فرض گردید که اولاً زیر مقیاس‌های پرسشنامه با یکدیگر و ثانیاً ابعاد پرسشنامه پیوند والدینی با ابعاد پرسشنامه IPPA-R همبستگی دارند. پیش‌بینی می‌شود که زیر مقیاس بیگانگی (هم در بعد والدینی و هم در بعد همسالانی) با بعد حمایت افراطی والدینی رابطه مثبت و با بعد مراقبت والدینی رابطهٔ منفی داشته باشد.

همچنین پیش‌بینی می‌شود که زیرمقیاس‌های ارتباط و اعتماد (هم در بعد والدینی و هم در بعد همسالانی) با بعد حمایت افراطی والدینی رابطه منفی و با بعد مراقبت والدینی رابطهٔ مثبت داشته باشد. این همبستگی‌ها در واقع نشان دهنده اعتبار پرسشنامه می‌باشد.

1 Green & Goldwyn
2 Inventory of Parent and Peer Attachment

روش‌شناسی

شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

طرح پژوهش از نوع همبستگی بوده است. در این پژوهش جامعهٔ آماری عبارت است از دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان که در سال ۱۳۸۹ مشغول به تحصیل بوده‌اند.

دو شیوه برای برآورد حداقل تعداد نمونه وجود دارد؛ یک راه در نظر گرفتن حداقل تعداد موارد یا شرکت‌کنندگان بر اساس تعداد متغیرهای پیش‌بین است. روش دیگر در این زمینه استفاده از فرمول کوکران[1] می‌باشد . اما با توجه به این مطلب که ساختار پژوهش حاضر بر پایهٔ پایایی‌سنجی و هنجاریابی پرسشنامه می‌باشد، نیاز به اجرای آزمون‌ها بر روی نمونه‌ای بزرگ می‌باشد که با استفاده از این روش حجم نمونه ۶۰۰ نفر تعیین گشت که شامل ۳۰۰ نفر پسر و ۳۰۰ نفر دختر می‌باشد.

ناحیه ۵ از بین نواحی آموزش و پرورش انتخاب و سپس ۲۰ مدرسه (۱۰ پسرانه و ۱۰ دخترانه) از میان آن به طور تصادفی انتخاب شد و سپس از هر مدرسه ۳۰ دانش‌آموز بطور تصادفی انتخاب شد. ویژگی‌های گروه نمونه شامل فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت و سن در جدول‌های شماره ۱ آورده شده است. با توجه به جدول ۱ مشاهده می‌شود اکثر شرکت کنندگان ۱۱ ساله بوده‌اند.

جدول ۱ فراوانی و درصد متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد فراوانی	میانگین	انحراف معیار
جنسیت	پسر	۳۰۰	٪۵۰	۱/۵	۰/۵
	دختر	۳۰۰	٪۵۰		
سن	۱۰	۱۵۹	٪۲۶/۵	۱۱/۰۱	۰/۷۳۷
	۱۱	۲۷۵	٪۴۵/۸		
	۱۲	۱۶۶	٪۲۷/۷		

ابزار

در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای ذیل استفاده شد:

۱-*پرسشنامه کیفیت دلبستگی والدین و همسالان تجدیدنظر شده:* این پرسشنامه برای سنجش دلبستگی ساخته شده که به سنجش ابعاد عاطفی مثبت و منفی و همچنین ابعاد شناختی مثبت و منفی روابط نوجوانان با والدین و دوستان نزدیکشان می‌پردازد. سؤالات در هر بخش به سه دسته عوامل (اعتماد، ارتباط و بیگانگی) تقسیم می‌شوند. در هر قسمت که شامل ۲۸ سؤال برای سنجش سبک دلبستگی والدینی و ۲۵ سؤال برای سبک دلبستگی همسالان می‌باشد، شرکت‌کنندگان باید، روی طیف لیکرتی ۳ درجه‌ای میزان

---

1 cochran

موافقت یا مخالفت خود را با ماده سؤال (همیشه درست، تا هیچگاه درست) اعلام نمایند. گالون و رابینسون [۱](۲۰۰۵: ۸۸) پایایی ابزار را با استفاده از نمونه‌ای ۱۱۸ نفره از افراد ۹ تا ۱۱ سال، در زیر مقیاس والدین ۰/۹۳ و در زیر مقیاس همسالان ۰/۸۶ بدست آوردند.

۲- *مقیاس پیوند والدین:* این پرسشنامه که توسط پارکر و دیگران (۱۹۷۹) ایجاد شده است، برای هر یک از والدین شامل ۲۵ سؤال می‌باشد که با مقیاس لیکرت در یک طیف ۴ گزینه‌ای درجه‌بندی شده و به سنجش دو بعد مراقبت والدینی و حمایت افراطی والدینی می‌پردازد. ابزار پیوند والدینی بر روی یک نمونه به نسبت بزرگ شامل ۴۱۰ نوجوان و ۴۱۰ بزرگسال در سنین ۷-۱۲سال نرم شده است. نتایج بررسی اعتبار یا پایایی این پرسشنامه توسط پارکر و همکاران (۱۹۷۹: ۹) ثبات درونی، پایایی دو نیمه کردن۸۸٪ و پایایی بازآزمایی را برای بعد مراقبت۰/۷۶ و برای بعد حمایت افراطی۰/۶۳گزارش کرده است. در واقع از آنجاییکه این پرسشنامه به نوعی به منظور سنجش دلبستگی ساخته شده است، در این پژوهش با استفاده از روش همبستگی، به عنوان ابزاری جهت سنجش اعتبار همزمان پرسشنامه IPPA-R به کار برده شده است.

روش اجرا

از آنجایی که پرسشنامه اصلی به زبان انگلیسی بوده و برای اولین بار در این پژوهش در ایران به کار گرفته شده است در ابتدا فرآیند ترجمه-ترجمه مجدد[۲] جهت ساخت پرسشنامه معادل از لحاظ فرهنگی به کار گرفته شد. دو متخصص مشاوره، مسلط به دو زبان (دو زبانه) پرسشنامه‌ها را به زبان فارسی و دو متخصص دیگر جداگانه آن‌ها را به زبان انگلیسی برگرداندند. تا حد امکان سعی گردید که جملات ترجمه شده به متن اصلی وفادار باشند و همچنین ترجمه‌ها مناسب سنین هدف این پرسشنامه که کودکان ۹ تا ۱۱ ساله بوده‌اند، باشد.

برای اجرای پژوهش، پس از تهیهٔ پرسشنامه جهت دریافت مجوز ورود به مدارس، هماهنگی‌های لازم با سازمان آموزش و پرورش به عمل آمد و در نهایت مجوز اجرای پرسشنامه در مدارس مورد نظر بدست آمد. برای انجام پژوهش پس از اقدامات اولیه و فراهم آوردن مقدمات طرح، همچون تهیهٔ پرسشنامه‌ها و انجام مراحل مقتضی ترجمه و اعتباریابی سؤالات، به مدارس منتخب مراجعه شد. برای این منظور پس از اخذ مجوز، با هماهنگی مسئولین مدارس، با تعیین وقت از سوی به پخش سؤالات پرسشنامه‌ها در نمونهٔ تصادفی انتخابی از مدارس اقدام شد. یک کارشناس مسلط به موضوع، اطلاعات و آموزش‌های لازم

1 Gullone & Robinson
2 Back Translation

جهت تکمیل پرسشنامه‌ها را به کودکان ارائه داد. به آن‌ها اطمینان داده شد که نتایج پژوهش هیچ ارتباطی با وضع تحصیلی آن‌ها ندارد و آن‌ها تنها می‌بایست بر اساس ویژگی‌های خود و ارتباطی که با خانواده و دوستان خود دارند، به سؤالات پاسخ دهند. همچنین به آن‌ها آموخته شد که نیازی به نوشتن نام وجود ندارد. در مجموع ۴ ماه برای پر شدن پرسشنامه‌ها در مدارس وقت صرف شد. سپس پس از گردآوری داده‌ها از نمونهٔ مورد نظر، داده‌ها وارد نرم افزار SPSS شد و به بررسی متغیرها و فرضیه‌های پژوهش اقدام شد. در این پژوهش با توجه به فرضیه‌های مورد نظر برای بررسی روابط میان متغیرها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مرتبط استفاده شد.

یافته‌ها

در جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت ارائه گردیده است.

جدول ۲ - میانگین و انحراف معیار متغبرهای پژوهش

متغیر	متغیر	میانگین	انحراف معیار
دلبستگی والدینی (کل)	پسر	۵۹/۵۹	۹/۶۷
	دختر	۵۹/۶۹	۷/۶۰
اعتماد به والدین	پسر	۲۳/۸۵	۲/۹۸
	دختر	۲۴/۱۴	۲/۵۳
ارتباط با والدین	پسر	۲۰/۳۷	۳/۰۵
	دختر	۱۹/۹۴	۳/۱۲
بیگانگی با والدین	پسر	۱۲/۶۰	۳/۶۴
	دختر	۱۲/۵۴	۳/۳۲
دلبستگی همسالان (کل)	پسر	۵۱/۴۹	۳/۵۶
	دختر	۴۸/۴۴	۷/۴۰
اعتماد به همسالان	پسر	۲۳/۸۴	۴/۱۶
	دختر	۲۳/۷۲	۵/۱۶
ارتباط با همسالان	پسر	۱۲/۶۵	۲/۷۶
	دختر	۱۳/۰۳	۲/۷۶
بیگانگی با همسالان	پسر	۵۰/۴۹	۱۰/۱۲
	دختر	۴۹/۴۴	۱۰/۸۵
حمایت افراطی والدینی	پسر	*۵۶/۶۴	۱۱/۳۵
	دختر	۵۱/۴۴	۱۱/۹۶
مراقبت والدینی	پسر	۳۰/۶۸	۹/۷۳
	دختر	۳۲/۷۲	۱۰/۹۷

۰/۰۱*p<

با توجه به اطلاعات جدول ۲ مشاهده می‌شود که در کل میانگین نمره دلبستگی به والدین بیشتر از نمره دلبستگی به همسالان بوده است. هم در مقیاس دلبستگی والدین و هم همسالان میانگین اعتماد بالاتر از ارتباط و ارتباط نیز به نوبه خود بالاتر از بیگانگی می‌باشد. همینطور میانگین اعتماد و ارتباط با والدین بیشتر از اعتماد و ارتباط با همسالان بوده است اما نمره بیگانگی در هر دو مقیاس بسیار نزدیک به هم بوده است. نکته شایان ذکر در اینجا این است که میان میانگین زیرمقیاس‌های دلبستگی والدینی و همین‌طور همسالانی، با توجه به متغیر جنسیت، تفاوت معنی‌دار نبوده است و تنها در متغیر حمایت افراطی والدینی، میانگین پسرها به میزان معنی‌داری (p<۰/۰۱) بالاتر از دخترها بوده است؛ بدین معنا که آنان در واقع حمایت‌ها و کنترل‌های والدین را نسبت به دختران افراطی‌تر دانسته‌اند.

برای بررسی پایایی ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج بررسی پایایی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۳ ذکر شده است:

جدول شماره ۳. پایایی ابزار پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ

متغیر	پایایی	تعداد ماده‌ها
دلبستگی والدینی (کل)	۰/۷۲	۲۸
اعتماد به والدین	۰/۷۴	۱۰
ارتباط با والدین	۰/۷۳	۸
بیگانگی با والدین	۰/۶۹	۱۰
دلبستگی همسالان (کل)	۰/۹۴	۲۵
اعتماد به همسالان	۰/۸۸	۱۰
ارتباط با همسالان	۰/۶۲	۸
بیگانگی با همسالان	۰/۴۲	۷
حمایت افراطی والدینی	۰/۸۴	۲۶
مراقبت والدینی	۰/۸۰	۲۴

همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، پایایی زیر مقیاس‌ها مخصوصاً در بخش همسالانی در حد مطلوبی بوده است. در اینجا در رابطه با پایایی بدست آمده در رابطه با زیرمقیاس اعتماد به همسالان باید توجه شود که پایایی بدست آمده در ابتدا ۰/۷۸ بوده است ولی با بازنگری سؤالات مرتبط با مقیاس،

سؤال شماره ۵ در بخش همسالان "کاش دوستان دیگری داشتم" با کل مقیاس رابطه منفی (r=۰/۵۰) داشته و با حذف آن پایایی به ۰/۸۸ افزایش یافته است. همچنین پایایی مقیاس دلبستگی همسالانی نیز ۰/۹۲ بوده که با حذف این سؤال تا ۰/۹۴ افزایش یافته است. در مجموع این سؤال با کل مقیاس هماهنگی مناسبی نداشته است.

در ادامه برای بررسی همبستگی درونی ابزارها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و ضرایب همبستگی زیر مقیاس‌های اعتماد، ارتباط و بیگانگی در هر یک از بخش‌های والدین و همسالان با خود مقیاس‌های کیفیت دلبستگی والدین و همسالان و همچنین با یکدیگر به دست آمد.

جدول ۴. همبستگی درونی مقیاس‌های پرسشنامه IPPA-R

متغیر	دلبستگی والدینی (کل)	اعتماد به والدین	ارتباط با والدین	بیگانگی از والدین	دلبستگی همسالان (کل)	اعتماد به همسالان	ارتباط با همسالان	بیگانگی از همسالان
دلبستگی والدینی	۱							
اعتماد والدین	۰/۴۸۳**	۱						
ارتباط با والدین	۰/۲۴۰**	۰/۳۱۷**	۱					
بیگانگی با والدین	۰/۰۶۷	۰/۱۷۸**	۰/۰۷۴	۱				
دلبستگی همسالان	۰/۴۰۳**	۰/۲۴۲**	۰/۱۸۳**	۰/۱۵۱**	۱			
اعتماد همسالان	۰/۳۵۱**	۰/۲۶۷**	۰/۰۸۲*	۰/۱۸۶**	۰/۷۴۴**	۱		
ارتباط با همسالان	۰/۱۷۴**	۰/۱۷۷**	۰/۱۱۸**	۰/۰۵۸	۰/۷۵۱**	۰/۳۶۸**	۱	
بیگانگی با همسالان	-۰/۲۵۶**	۰/۰۶۱	-۰/۱۰۲*	-۰/۰۰۵	-۰/۳۶۰**	-۰/۲۲۳**	-۰/۰۵۵	۱

**p<0.01 و*p<0.05

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، مقیاس‌های اعتماد به والدین و ارتباط با والدین با دلبستگی والدینی و با یکدیگر و همبستگی مثبت و معنی‌دار دارند اما بیگانگی با والدین با کل مقیاس

همبستگی معنی‌دار نداشته و تنها با اعتماد به والدین همبستگی ضعیفی دارد. همینطور اعتماد به همسالان و ارتباط با همسالان با دلبستگی همسالان همبستگی قوی و معنی‌دار دارد و با یکدیگر نیز دارای همبستگی مثبت متوسط و معنی‌دارند. زیرمقیاس بیگانگی با همسالان نیز با کل مقیاس دلبستگی همسالان همبستگی متوسط منفی و معنی‌داری داشته است و همچنین ارتباط منفی آن با اعتماد به همسالان نیز نسبتاً ضعیف اما معنی‌دار است ولی با زیرمقیاس ارتباط با همسالان ارتباط معنی‌دار ندارد. لذا می‌توان برای همخوانی درونی زیرمقیاس‌های پرسشنامه IPPA-R توجیه نظری یافت. بر این اساس به سؤال پژوهش مربوط به پایایی ابزار پژوهش پاسخ مثبت داده می‌شود.

جدول ۵. همبستگی پیرسون زیرمقیاس‌های پرسشنامه دلبستگی با پیوند والدینی

مقیاس	دلبستگی والدینی (کل)	اعتماد به والدین	ارتباط با والدین	بیگانگی از والدین	دلبستگی همسالان (کل)	اعتماد به همسالان	ارتباط با همسالان	بیگانگی از همسالان
حمایت افراطی والدینی	**۰/۲۴-	**۰/۳۵-	**۰/۱۵-	**۰/۱۹	**۰/۲۱-	**۰/۳۳-	۰/۰۲-	**۰/۲۰
مراقبت والدینی	**۰/۴۰	**۰/۱۷	*۰/۱۰	۰/۰۵	**۰/۲۶	**۰/۲۴	۰/۰۱	**۰/۳۵-

**p<0.01و*p<0.05

همانطور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، زیر مقیاس‌های اعتماد و ارتباط با والدین همبستگی معنی‌داری با مراقبت والدینی داشته (r =۰/۱۷۲ و r=۰/۱۰۳ و p<۰/۰۱) و با حمایت افراطی والدینی همبستگی منفی معنی‌دار دارد (r=-۰/۳۵۰ و r=-۰/۱۵۱ و p<۰/۰۱). مقیاس بیگانگی از والدین با مراقبت والدینی رابطه مثبت (r=۰/۰۵۲) است اما معنی‌دار نیست در حالیکه با حمایت افراطی والدینی رابطه مثبت دارد (r=۰/۱۹۶ و p<۰/۰۱). همچنین اعتماد به همسالان همانطور که پیش‌بینی شده است با مراقبت والدینی رابطه مثبت معنی‌دار داشته (r=۰/۲۴۲ و p<۰/۰۱) و با حمایت افراطی والدینی همبستگی منفی

معنی‌دار دارد (r=-۰/۳۳۹ و p<۰/۰۱). ارتباط با همسالان با هیچ یک از زیرمقیاس‌های پیوند والدینی ارتباط معنی‌دار ندارد. در نهایت بعد بیگانگی از همسالان با زیرمقیاس مراقبت والدینی رابطه منفی(r=-۰/۳۵۴ و p<۰/۰۱) و با حمایت افراطی والدین رابطه مثبت دارد(r=۰/۲۰۷ و p<۰/۰۱). در کل برای این سؤال پژوهش که مقیاس دارای اعتبار همزمان با پرسشنامه فوق است حمایت پژوهشی یافت می‌شود.

از آنجایی که طبق جدول۱، میانگین نمرات دلبستگی در مورد پسران و دختران تفاوت معنی‌داری با یکدیگر نداشته‌اند، برای تعیین هنجارهای رتبه‌های درصدی، یک جدول کلی ارائه شده است که برای هر دو جنس پسر و دختر به کار رفته است. برای تعیین هنجارهای این آزمون، از نمرات میانگین T که دارای میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰۰ می‌باشد استفاده شده است. رتبه‌های درصدی کلیه زیرمقیاس‌ها محاسبه گردید که نتایج در جدول‌ها مشاهده می‌شود. نمرات افراد و رتبه‌های درصدی زیر مقیاس‌های اعتماد، ارتباط و بیگانگی در ابعاد والدینی و همسالان به منظور تشخیص انفرادی ارائه شدند. رتبه‌های درصدی جایگاه فرد را در گروه نشان می‌دهند.

جدول ۶. هنجارهای مقیاس نمرات دلبستگی والدینی و رتبه‌های درصدی آن

نمره	رتبه درصدی	نمره	رتبه درصدی	نمره	رتبه درصدی	نمره	رتبه درصدی
۲۴/۰۱	۰/۳	۳۷/۵۱۵	۱۵/۸	۴۸/۷۶	۴۷/۲	۶۰/۰۱	۸۶/۷
۲۵/۱۴	۱/۸	۳۸/۶۴	۱۷/۷	۴۹/۸۹	۵۰/۵	۶۱/۱۴	۹۰/۳
۲۷/۳۹	۲/۵	۳۹/۷۶	۱۸/۷	۵۱/۰۱	۵۳/۵	۶۲/۲۷	۹۱/۳
۲۹/۶۴	۳/۲	۴۰/۸۹	۲۰/۰	۵۲/۱۴	۵۴/۸	۶۳/۳۹	۹۵/۷
۳۰/۷۶	۴/۵	۴۲/۰۱	۲۲/۳	۵۳/۲۶	۵۸/۳	۶۴/۵۱	۹۶/۳
۳۱/۸۹	۴/۸	۴۳/۱۴	۲۶/۰	۵۴/۳۹	۶۱/۷	۶۵/۶۴	۹۸/۳
۳۳/۰۱	۶/۸	۴۴/۲۶	۲۸/۰	۵۵/۵۱	۶۵/۲	۶۷/۸۹	۹۹/۷
۳۴/۱۴	۸/۲	۴۵/۳۹	۳۰/۸	۵۶/۶۴	۷۱/۲	۶۹/۰۱	۱۰۰/۰
۳۵/۲۶	۹/۵	۴۶/۵۱	۳۵/۷	۵۷/۷۶	۷۴/۵		
۳۶/۳۹	۱۲/۲	۴۷/۶۴	۴۳/۲	۵۸/۸۹	۸۰/۳		

با مراجعه به جدول شماره ۶ معلوم می‌شود رتبه درصدی اول ۰/۳ درصد است. یعنی مثلاً اگر نمره دلبستگی والدینی کل فرد ۲۴/۰۱ گردید آن فرد با توجه به دلبستگی والدینی کل از ۰/۳ درصد افراد بالاتر است. جدول ۷ نمرات و رتبه‌های درصدی دلبستگی همسالان را نشان می‌دهد.

جدول ۷. هنجارهای مقیاس نمرات دلبستگی همسالانی و رتبه‌های درصدی آن

نمره	رتبه درصدی	نمره	رتبه درصدی	نمره	رتبه درصدی	نمره	رتبه درصدی	نمره	رتبه درصدی	نمره	رتبه درصدی
۲۸/۸۹	۰/۳	۳۸/۹۸	۱۳/۰	۴۴/۳۶	۳۴/۰	۵۰/۱۶	۵۳/۲	۵۵/۹۶	۷۱/۸	۶۳/۶۹	۹۰/۸
۲۹/۸۶	۰/۷	۳۹/۵۲	۱۶/۷	۴۵/۳۲	۳۷/۷	۵۰/۴۲	۵۴/۲	۵۶/۳۸	۷۲/۵	۶۴/۲۹	۹۱/۰
۳۱/۷۹	۱/۰	۳۹/۵۵	۱۷/۰	۴۵/۵۲	۳۸/۷	۵۱/۱۲	۵۷/۸	۵۶/۹۲	۷۴/۲	۶۴/۶۶	۹۴/۲
۳۳/۷۲	۲/۳	۴۰/۳۲	۱۷/۳	۴۵/۶۲	۳۹/۰	۵۲/۰۹	۶۰/۸	۵۷/۲۲	۷۴/۵	۶۵/۶۲	۹۶/۰
۳۴/۶۹	۶/۳	۴۰/۴۹	۱۸/۷	۴۶/۲۹	۴۱/۵	۵۲/۶۶	۶۱/۲	۵۷/۸۹	۷۶/۲	۶۷/۰۱	۹۶/۳
۳۵/۶۶	۸/۰	۴۱/۴۶	۲۲/۲	۴۷/۲۶	۴۶/۵	۵۳/۰۶	۶۲/۲	۵۸/۸۶	۸۲/۳	۶۷/۵۶	۹۸/۷
۳۶/۶۲	۱۰/۰	۴۱/۷۷	۲۲/۸	۴۸/۱۷	۴۷/۲	۵۳/۰۷	۶۲/۵	۵۹/۸۲	۸۳/۸	۷۰/۰۱	۹۹/۳
۳۷/۵۹	۱۱/۷	۴۲/۴۲	۲۷/۵	۴۸/۲۲	۴۹/۸	۵۴/۰۲	۶۴/۲	۶۰/۷۹	۸۷/۲	۹۰/۱۹	۱۰۰/۰
۳۷/۶۱	۱۲/۰	۴۲/۹۴	۲۷/۸	۴۹/۱۹	۵۱/۲	۵۴/۲۸	۶۴/۵	۶۱/۷۶	۸۸/۲		
۳۸/۵۶	۱۲/۷	۴۳/۳۹	۳۳/۷	۴۹/۶۱	۵۱/۵	۵۴/۹۹	۶۷/۲	۶۲/۷۲	۸۹/۲		

با مراجعه به جدول شماره ۷ معلوم می‌شود رتبه درصدی اول ۰/۳ درصد است. یعنی مثلاً اگر نمره دلبستگی والدینی کل فرد ۲۸/۸۹ گردید آن فرد با توجه به دلبستگی والدینی کل از ۰/۳ درصد افراد بالاتر است.

در جدول شماره ۸ اطلاعات هنجاری مقیاس IPPA-R در نمونه ۶۰۰ نفری که ۳۰۰ نفر از آن‌ها پسر و ۳۰۰ تا دختر بوده‌اند، بر اساس تفکیک جنسیتی و سنی در زیرمقیاس‌های والدینی و همسالانی گزارش شده است.

جدول ۸. اطلاعات هنجاری مقیاس IPPA-R

	سن	جنس	میانگین	انحراف استاندارد	Z	T	تعداد
دلبستگی والدینی	۱۰	پسر	۵۸/۳۷	۱۰/۲۱	۰	۵۰	۱۰۱
		دختر	۵۹/۲۱	۷/۷۱	۰	۵۰	۵۸
		کل	۵۸/۶۷	۹/۳۶	۰	۵۰	۱۵۹
	۱۱	پسر	۵۸/۸۶	۹/۰۴	۰	۵۰	۱۲۵
		دختر	۶۰/۰۸	۷/۵۰	۰	۵۰	۱۵۰
		کل	۵۹/۵۲	۸/۳۵	۰	۵۰	۲۷۵
	۱۲	پسر	۶۲/۴۹	۹/۴۷	۰/۱	۵۱	۷۴
		دختر	۵۹/۳۶	۷/۷۴	−۰/۲	۴۸	۹۲
		کل	۶۰/۷۵	۸/۶۷	۰	۵۰	۱۶۶
	کل	–	۵۹/۶۴	۸/۶۹	۰	۵۰	۶۰۰
دلبستگی همسالانی	۱۰	پسر	۵۱/۱۵	۱۱/۰۷	۰/۱	۵۱	۱۰۱
		دختر	۴۷/۶۷	۹/۵۱	−۰/۲	۴۸	۵۸
		کل	۴۹/۸۸	۱۰/۶۳	۰	۵۰	۱۵۹
	۱۱	پسر	۵۰/۱۴	۹/۴۸	۰/۱	۵۱	۱۲۵
		دختر	۴۷/۵۳	۹/۷۳	−۰/۱	۴۹	۱۵۰
		کل	۴۸/۷۲	۹/۶۹	۰	۵۰	۲۷۵
	۱۲	پسر	۵۴/۲۳	۹/۳۷	۰/۲	۵۲	۷۴
		دختر	۵۰/۴۰	۱۳/۰۲	−۰/۱	۴۹	۹۲
		کل	۵۲/۱۰	۱۱/۶۶	۰	۵۰	۱۶۶
	کل	–	۴۹/۹۷	۱۱/۶۶	۰	۵۰	۶۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

در مورد پایایی مقیاس‌های ابزار پژوهش پایایی‌ها نشان می‌دهد که پایایی در اکثر زیر مقیاس‌ها و همچنین در کل مقیاس در حد مطلوبی بوده است. بصورتی که پایایی زیرمقیاس اعتماد به والدین ۰/۷۴، ارتباط با والدین ۰/۷۳، بیگانگی از والدین ۰/۶۹، اعتماد به همسالان ۰/۷۸، ارتباط با همسالان ۰/۶۲ و بیگانگی از همسالان ۰/۴۲ بوده است. همچنین با حذف سؤال ۵ از مقیاس دلبستگی همسالانی می‌توان پایایی آن را تا حد ۰/۸۸ افزایش داد. این نتایج با نتایج پژوهش گالون (۲۰۰۵) همخوان بوده‌اند. به طوری

که در پژوهش گالون و رابینسون (۲۰۰۵: ۸۸) پایایی زیر مقیاس اعتماد به والدین ۰/۸۳، ارتباط با والدین ۰/۷۹، بیگانگی از والدین ۰/۷۶، اعتماد به همسالان ۰/۷۸، ارتباط با همسالان ۰/۶۲ و بیگانگی از همسالان ۰/۶۶ گزارش شده است

همبستگی درونی سؤالات با مقیاس‌ها نیز به جز سؤال شماره ۵ مقیاس همبستگی والدینی که ضریب همبستگی آن با مقیاس اعتماد به همسالان منفی بوده است (r=-۰/۵۰۹) بقیه سؤالات با مقیاس‌ها همبستگی مثبت داشته‌اند.

پایایی بدست آمده برای زیرمقیاس‌های پیوند والدینی نیز مناسب بودند، بطوریکه پایایی زیرمقیاس حمایت افراطی ۰/۶۵، مراقبت والدین ۰/۸۷ بدست آمد که در کل نشان دهنده مناسب بودن ابزارهای مورد استفاده است. همچنین نتایج بررسی اعتبار یا پایایی این پرسشنامه توسط پارکر و همکاران(۱۹۷۹: ۸) ثبات درونی، پایایی دو نیمه کردن ۰/۸۸ وپایایی بازآزمایی را برای بعد مراقبت ۰/۷۶ و برای بعد حمایت افراطی ۰/۶۳، گزارش کرده است. پژوهش‌های بعدی در مورد پرسشنامه، پایایی وثبات بسیار بالای بازآزمایی ۱۱ساله را در دامنه ۰/۶۵ تا ۰/۷۵ نشان دادند (پارکر و همکاران، ۱۹۷۹: ۸) نتایج پژوهش حاضر در مورد این پرسشنامه افتراق زیادی از این نتایج نشان نمی‌دهد.

این نتایج با نتایج پژوهش گالون و رابینسون (۲۰۰۵) نیز همخوان بوده‌اند. به طوری که در پژوهش گالون پایایی زیرمقیاس حمایت افراطی ۰/۶۵، و مراقبت والدین ۰/۸۰ بدست آمد. در ایران نتایج اجرای پرسشنامه پیوند والدینی توسط حمیدی (۱۳۸۲: ۶۱) در مورد دانشجویان، نمرات پایایی بازآزمایی (۴هفته) مراقبت مادرانه را ۰/۸۳ ومراقبت پدرانه را ۰/۷۹ نشان داد. محاسبه پایایی بازآزمایی در بعد حمایت افراطی (کنترل) مادرانه ۰/۸۹ و حمایت پدرانه ۰/۹۳ بدست آمد. علاوه بر این، آلفای کرونباخ برای مراقبت مادرانه ۰/۹۰ ، برای مراقبت پدرانه۰/۹۰، برای حمایت افراطی مادرانه ۰/۸۵ و برای حمایت افراطی پدرانه ۰/۸۵ بدست آمد.

همانطور که مشاهده شد، بهتر است سؤال ۵ از پرسشنامه دلبستگی همسالان حذف گردد. شایان ذکر است که در نسخه خارجی این پرسشنامه نیز سؤال ۵ از همبستگی مناسبی با مقیاس بر خوردار نبوده است و از مقیاس حذف گردیده است. همچنین علاوه بر این سؤال، سؤالات ۳، ۵، ۷، ۱۰ و ۱۵ از مقیاس دلبستگی والدینی نیز با کل مقیاس همبستگی نداشته‌اند (گالون و رابینسون، ۲۰۰۵)، اما در این پژوهش همگی آن‌ها دارای همبستگی مناسبی با مقیاس بوده‌اند و دلیلی برای حذف آن‌ها نبود. در مجموع می‌توان گفت در این قسمت نتایج هنجاریابی نسخه ترجمه شده ایرانی این آزمون از نسخه اصلی (گالون و رابینسون،۲۰۰۵) آن

بهتر جواب داده است.

همانطور که در جدول ۵ مشاهده شد، بعد حمایت افراطی والدینی بجز با ارتباط با همسالان با تمامی زیرمقیاس‌ها در سطح ۰/۰۱ ارتباط معنی‌دار دارد. زیر مقیاس مراقبت والدینی نیز بجز با بیگانگی از والدین و ارتباط با همسالان پرسشنامه با تمامی زیرمقیاس‌ها معنی‌دار بوده است. مطابق با پیش‌بینی، رابطه میان حمایت افراطی با بعد بیگانگی مثبت و با ابعاد اعتماد و ارتباط منفی بوده است. همچنین رابطه میان مراقبت والدینی نیز با ابعاد اعتماد و ارتباط مثبت و با بعد بیگانگی از همسالان منفی بوده است. بر این اساس بدون در نظر گرفتن بعد ارتباط با همسالان و همچنین توجه به عدم ارتباط بعد بیگانگی از والدین با زیرمقیاس مراقبت والدینی، می‌توان گفت که به سؤال پژوهش که آیا ابزار دلبستگی والدین و همسالان تجدید نظر شده دارای روایی همزمان با پرسشنامه پیوند والدینی می‌باشد، جواب مثبت داده می‌شود. با این وجود باز هم جهت همبستگی‌های بدست آمده در جهت پیش‌بینی‌ها می‌باشد این نتایج نیز در راستای پزوهش آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) و همچنین گالون و رابینسون (۲۰۰۵) می‌باشد.

همانطور که در جدول ۸ گزارش شد، میانگین‌های پسران و دختران در تمامی گروه‌های سنی، اختلاف چندانی از میانگین کل گروه سنی نداشته‌اند. از این هنجارها می‌توان برای بررسی‌های آتی کیفیت‌های دلبستگی در این گروه سنی استفاده نمود.

در پایان نتایج نشان می‌دهد که این پرسشنامه از پایایی و اعتبار لازم برای استفاده در ایران برخوردار است. اما باید دقت شود که در پژوهش حاضر از دانش‌آموزان ابتدایی پایه چهارم و پنجم استفاده شده است و به پژوهش‌گران آتی توصیه می‌شود تا این آزمون را بر روی سنین دیگر نوجوانان نیز به انجام رسانند تا هنجارهای آن با اطمینان بیشتری بدست آید.

کتابنامه

حمیدی، ف(۱۳۸۲). بررسی ساخت خانواده و سبک دلبستگی در دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آن‌ها. *رساله دکتری*، دانشگاه تربیت مدرس .

رازقی، ن. قباری بناب، ب. مظاهری، م(۱۳۸۵). مهد کودک و سبک‌های دلبستگی کودکان: پژوهشی در خانواده‌های تهران. *تازه‌های علوم شناختی*، سال ۸ (۱)۴۶-۳۸.

Armsden, G.C., & Greenberg, M.T.(1987). The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence,* 16,427–454.

Berlin, L., & Cassidy, J.(1999). *Relations among relation-ships: Contributions from attachment theory andresearch. In J. Cassidy, & P.R. Shaver (Eds)*, Handbookof attachment: Theory, research, and clinical applications. New York: Guilford.

Bretherton, I. (1985). Attachment theory: Retrospect andprospect. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 50, 3–35.

Carlson, E.A., & Sroufe, L.A. (1995). *Contribution of attachment theory to developmental psychopathology*.In D. Cicchetti, & D.J. Cohen (Eds), Developmental Psychology,*24(5),364-79.*

Cubis, J.,Lewis, T., & Dawes, F. (1989). Australian adolescents' perceptions of their parents. *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 23, 35–47.

Green, J., & Goldwyn, R. (2002). Annotation: Attachment disorganisation and psychopathology: New findingsin attachment research and their potential implications for developmental psychopathology in childhood.*Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 43, 835–846.

Green, J., & Goldwyn, R. (2002). Annotation: Attachment disorganisation and psychopathology: New findingsin attachment research and their potential implications for developmental psychopathology in childhood.*Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 43, 835–846.

Gullone, E. & Robinson, K. (2005). The Inventory of Parent and Peer Attachment-Revised (IPPA-R) for Children: A Psychometric Investigaion. *Clinical Psychology and Psychoterapy*. 12, 67-89.

Hazan, C., shaver, P.R. (1990). Love and work: An Attachment Theoretical Perspective. *Journal of Personality and social Psychology.* 59, No 2. 220-280

Herz, L., & Gullone, E. (1999). The relationship between self-esteem and parenting style: A cross-cultural comparison of Australian and Vietnamese-Australian adolescents. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 30, 742–761

Klimidis, S., Minas, I.H., & Ata, A.W. (1992). *The PBI-BC:* A brief current form of the Parental Bonding Instrument for adolescent research. *Comprehensive Psychiatry*,33, 374–377.

Klimidis, S., Minas, I.H., Ata, A.W., & Stuart, G.W. (1992). Construct validation in adolescents of the brief current form of the Parental Bonding Instrument. *Comprehensive Psychiatry*, 33, 378–383.

Parker, G., Tupling, H., & Brown, L.B. (1979). A parental bonding instrument. *British Journal of Medical Psychology*, 52, 1–10.

Rice, K.G., & Cummins, P.N. (1996). Late adolescent and parent perceptions of attachment: An exploratory study of personal and social well-being. *Journal of Counseling and Development*, 75, 50–57.

Rutter, M. (1995). Clinical implications of attachment concepts: Retrospect and prospect. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 4, 549–571.

Sroufe, L.A,Waters,E.(1977). Attachment as an organizational construct. *Child Development*, 3, 343-356.